

ويژه نامه روزانه محرم الحرام



## عاشورا تمام شد و رفت!

تفسير روشنفكرانه  
از قيام حسيني

می زند. هر چه ما بگویم زیباترش را آنها می گویند. هر چه در فضیلت امیرالمومنین نقل شده، آنها برای بزرگان خودشان جعل کرده اند. در تاریخ ببینید چطور می شود این جبهه را شناخت. وقتی نبی اکرم حضرت سیدالشهداء را به میدان می فرستند، جبهه مقابلی که از جریان سقیفه شروع شده و بعد منتهی به بنی امیه که خون سید الشهداء را می ریزد، معلوم می شود حق کجاست، باطل کجاست. آدمی وقتی می گوید «فلان الله امت است اساس» می فهمد تا قیامت ادامه دارد. پس این بصیرت تاریخی در پرتو عاشورا حاصل می شود. بعد آن هم موضع گیری است. موضع گیری از لعن و صف و قتال گرفته تا خون خواهی و بقیه مقاماتی که در زیارت عاشورا آمده است.

حجت الاسلام سید مهدی میرباقری / مهر ۱۳۹۴

زیاد است، نه شمر است و نه زیاد. يك جبهه تاریخی است. اینها سرخطهای این جبهه هستند.

يك موقع، آدم، عاشورا را يك جنگ قومی می بیند، يك جنگ در سال ۶۱ و تمام شده می بیند که خیلی از روشن فکرها هم می خواهند همین را بگویند. بگویند عاشورا يك جنگی بود و تمام شد و دیگر دنبال آن يك درگیری، صف بندی و قتال تاریخی ایجاد نکنید. ولی اگر کسی عاشورا را درست فهمید اول به بصیرت می رسد. این اول خاصیت است. جبهه تاریخی باطل را می شناسد. واقعا از عاشورا این اتفاق می افتد. اگر عاشورا را برارید اصلا حق و باطل آمیخته می شود. آن جاست که حضرت با مقاومت خودش جبهه باطل را مجبور کرده که آن روی سکه خودش را نشان بدهد. الان ببینید مستکبرین دم از حقوق و بشر و آزادی

یکی از بزرگات عاشورا این است که همه تاریخ بشر را تبدیل به دوامت کرده است: امت حق و باطل؛ عاشورایی و جبهه مقابلش. اگر کسی وسعت عاشورا را فهمید، اولین اثری که می گذارد ایجاد این بصیرت و شناخت جبهه تاریخی دشمن است. لقد عظمت الرزیه و جلت و عظمت الیومیه بك علینا و علی جمیع اهل الاسلام و جلت و عظمت مصیبتك فی السموات علی جمیع اهل السموات اگر کسی عاشورا را و عظمت حادثه آن و مصیبتی که جبهه ابلیس، اولیاء طاغوت، فراعنه، جبهه استکبار، دشمنان نبی اکرم و انبیاء ایجاد کرده اند در این وسعت دیده، اول خاصیتش این است که به يك بصیرت می رسد و دو جبهه تاریخی را می شناسد و می شود «فلعن الله امت». یعنی اول يك بصیرت ایجاد می کند که آن کسی که بانبی اکرم درگیر است يك آدم نیست. نه این

که سینهاش را سوزانده اند و می گوید که اینها این کار را کردند تا من بگویم که آقای خمینی به من پول داده تا این کار را بکنم. من اصلا تا امروز ایشان را ندیده ام و اگر هم می دیدم، هر چه داشته به ایشان می دادم، نه این که پول بگیرم. حالا هم حتی اگر کشته شوم، این تهمت را نمی زنم.»

از آن روز به بعد به او سخت می گیرند و حتی مسالهی اعدام را هم مطرح می کنند. آقای کاتوزیان که امام جماعت مسجدی در همان مناطق بود نقل می کرد که که بعد از شهادت طیب، همسر او را دیده و از او پرسیده که طیب در آخرین ملاقات، به او چه گفته است؟ همسر طیب گفته بود: «بعضی چیزها را مجاز نیستیم بگویم. ولی من به او گفتم: تو نان آور خانه هستی. و او جواب داد: به اندازه ی کافی نان گذاشته ام. اگر هم به فکر تیم شدن بچه ها هستی، تا به حال چندین بار چاقو خورده و تا دم مرگ رفته ام و خدا را شکر که در اثر ضربی چاقو نمردم و ماندم تا در راه خدا کشته شوم.» طیب گفته بود که حتی به او وعده داده اند که اگر با آنها همکاری کند، مقام های بالایی به او می دهند، اما او خودش را در خواب با پاران امام حسین علیه السلام دیده است و ارزش ندارد که به خاطر مقام های دنیوی، آن مقام را از دست بدهد. به همسرش گفته بود برای من غصه نخورید.

«طیب حاج رضایی» در ۱۱ آبان ۱۳۴۲ در میدان تیر حشمتیه تیرباران شد.

که طرفدار شاه است و اگر او مخالفت کند، کارها خراب می شود. امام فرمودند: «طیب مسلمان است و در مقابل دینش مقاومت نمی کند.» و به این شکل بود که ما به فکر افتادیم با طیب صحبت کنیم. مارتقییم و به طیب گفتیم آقای خمینی فرموده اند که طیب مسلمان است و در مقابل دینش نمی ایستد. همین که این حرف را زدیم، او سرش را پائین انداخت. بعد یکی از نوچه هایش را صدا زد و ۲۰۰ تومان پول به او داد و گفت برو و يك عکس از آقا تهیه کن که جلوی دسته قرار بدهیم. او قبلا عکس شاه را بزرگ می کرد و جلوی دسته قرار می داد، ولی حالا می خواست عکس امام را بگذارد و دسته راه بیندازد. آن روز آمدند و به من گفتند که دسته ی طیب آمده و عکس حاج آقا روح الله را جلوی دسته گذاشته است. ما تعجب کردیم که جریان از چه قرار است، چون تا آن روز تصور می کردیم که طیب، فدایی شاه است.»

در روز دوازدهم محرم طیب را دستگیر کردند و تنها شرط آزادی وی را اعلام دریافت پول از امام برای آشوب اعلام کردند. طیب شرط را می پذیرد.

آیت الله سید جعفر شبیری زنجانی ادامه ی این ماجرا را چنین نقل می کند: «تا روز آخر هم آنها فکر نمی کردند از طیب رودست بخورند، به همین خاطر داد گاه او را علنی کردند و خبرنگارها آمدند که خبر را منعکس کنند. طیب وقتی پشت تریبون قرار می گیرد، لباسش را بالا می زند و نشان می دهد



### مانند حُر

یکی از زیباترین اتفاقات عاشورای ۱۳۴۲، رویش حُر انقلاب بود. آیت الله سید جعفر شبیری زنجانی در این باره می گوید: «... شهید عراقی نقل کردند که روزی که در قم در محضر امام بودیم، ایشان فرمودند: «امسال هیئت ها جهت دار باشند.» ما به امام عرض کردیم مهم ترین هیئت متعلق به «طیب» است

یا حسین، یا حسین، یا حسین آن قدر فریاد «هل من ناصر نصرنی» ات نافذ بود و آن چنان تنهایی ات سر آن تفتیده دشت برهوت، دامان را به آتش کشید که اکنون در لیبیک به تو ای وارث رسولان، همه سختی ها را با لذت ایثار بر دوش خواهیم کشید.



شماره بعدی نشریه را یک روز پس از انتشار این شماره می توانید از طریق این بارکد دریافت نمایید.



کتاب محرم

## از عاشورای حسین تا عاشورای شیعه

مولف: محمداسفندیاری



از عاشورای حسین  
تا عاشورای شیعه  
محمد اسفندیاری

بازشناسی عاشورا نه شناخت يك روز، که شناخت بزرگترین حماسه انسانی است، و نه فقط فریضه‌ای شرعی، که ضرورتی تاریخی است. در صحیفه تاریخ هیچ روزی چون صفحه عاشورا نیست. امویان و اموی اندیشان بسی کوشیدند تا این صفحه را از تاریخ پاک کنند، اما نتوانستند. صفحه عاشورا گشوده ماند، ولی عده‌ای به آن ننگریستند، و عده‌ای فقط بر آن گریستند.

و همه سخن این است که عاشورا نسخه اشک نیست، نسخه آزادی است. نه اینکه نباید بر آن گریست، بلکه نباید فقط بر آن گریست. این نسخه بس است تا حیات هر ملت را دیگرگون کند و افسر آزادی بر سر هر انسان نهد. در جامعه‌ای که امام حسین هست، آزادی نیز هست، و آنجا که حسین نیست، آزادی نیز نه. و البته منظور نه نام حسین، که راه حسین است. با این راه به کجا آباد آزادی می توان رسید.

پس نه آیا باید این راه را شناخت؟ و نه مگر غبار تحریفات را باید از این راه زدود؟ این رساله، این رسالت را عهددار است.

این کتاب از چهارده فصل تشکیل شده است: حماسه عاشورا، تراژدی عاشورا، نگاه عاطفی، نگاه سیاسی، هدف کشی از قیام امام حسین علیه السلام، آفت گزافه گویی، هدف سازی از گریه، پدیده روضه خوانی، بدعت قمه زنی، ضرورت اصلاح، عاشورا: نزاع کفر و دین، عاشورا: نزاع عدل و ظلم، تاریخ، قربانی فقه، کارنامه عاشورانگاری.

## به امام بگویند پسر م فدای شما

شنیده نشد که خانواده‌ی شهیدی بی تابی و ناشکری کند. البته گریه کردن ایرادی ندارد؛ اما ناشکری نکردند. برای خدا دادند و این، آن چیزی است که مردان بزرگ عالم را تحت تاثیر قرار می دهد. زمانی من به مازندران آمدم. در یکی از شهرهای مازندران، بعد از سخنرانی، وقتی می خواستم سوار اتومبیل شوم، دیدم خانمی به اطرافیان اصرار می ورزد که با من صحبت کند. گفتم که بگذارند بیاید. خانم جلو آمد و گفت: پسر من در دست بعثیها اسیر بود. همین چند روز قبل به من خبر دادند که او زیر شکنجه کشته شده است. شما که به تهران رفتید، از قول من به امام سلام برسانید و بگویید: پسر من فدای شما؛ من ناراحت نیستم.

این جمله را در همین مازندران - در بابل یا ساری، یادم نیست - خانمی به من گفت. وقتی در تهران مطلب را به امام گفتم، آن مرد با عظمت و با ابهت و آن کوه صبر و حلم، چنان در هم و منقلب شد که تعجب کردم!

رهبر انقلاب در حسینیه «عاشقان کربلا» ساری  
۷/۲۴/۷۴

## شهید باشیم بعد شهید بشیم

رقابت در شهادت از اولین موضوعاتی است که برای شهدا به ذهن می رسد.

اما شهادت يك نقطه نیست. يك سیر است:

اول: اللهم اجعل محبای محیاست.

دوم: ... ممانی ممات محمد و آل محمد است.

اول رقابت در زندگی است. آن گاه رقابت در شهادت.

دعا کنیم شهید «باشیم»! نه این که فقط شهید «بشیم».

اصلاً تا شهید نباشیم شهید نمی شیم. تا حال فکر کردی

پشت بعضی دعاهای شهادت، يك جور فرار از کار و

تکلیف است؟! سریع شهید شویم تا راحت شویم!

اما دعا کن قبل از این که شهید بشیم، يك عمر

شهید باشیم، هشتاد سال شهید که «باشیم» خودش مقدمه

می شود تا شهید هم «بشویم»، انشاءالله.

در تاریخ، هشتاد سال پرفراز و نشیب را سالم طی

کردن مهم است. کسی که هشتاد سال برایش همه جور

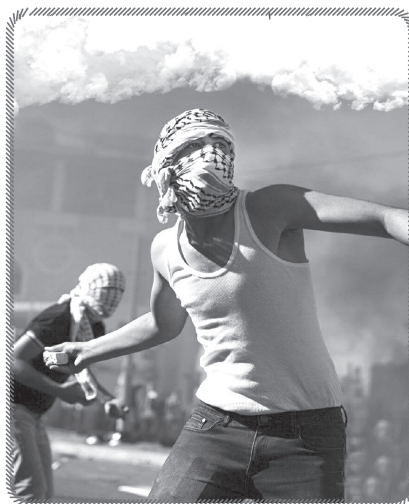
فرصت گناهی مهیا بوده و گناه نکرده. این قصه خیلی

بالا تر از شهادت يك جوان نوپاست؛ يك عمر با حسین

و قرآن نفس کشیدن. يك عمر شهید بودن و نهایتاً در

کربلا شهید شدن. این میدان هشتاد ساله مرد رقابت می

طلبد، یکی مثل حبیب پسر مظاهر را.



## رسالت خطیر

محور اصلی انتفاضه اقصی، بیت المقدس است؛ یعنی جرقه‌ای که به انفجار خشم مردم فلسطین انجامید، اسائه ادب صهیونیست ها به مسجد الاقصی بود.

مردم فلسطین با دریافت رسالت خطیری که در حراست از یکی از مقدس ترین مکانهای مذهبی مسلمانان بر دوش دارند، به صحنه آمدند و با ایثار و فداکاری، شعله مقدس مقاومت و مبارزه علیه اشغالگران صهیونیست را برافروختند.

آیت الله خامنه‌ای در کنفرانس حمایت از انتفاضه

۱۳۹۰/۷/۹



## حبیب هم اهل کوفه بود

حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه هم کوفی بودند، اما جزء بهترین یاران امام حسین به حساب می آمدند.

پس مهم نیست «کوفی» باشی یا نه.

مهم این است «کوفی منش» نباشی.

مهم این نیست کجا هستی.

مهم این است جایی که هستی کارت را درست انجام دهی.

گذشتن از همه چیز برای حسین. «انا ترک الخلق طرا فی هوا کاه». در هوای تو همه را رها کردم فقط به خاطر تو.